



بررسی اجمالی روابط روسیه و ایران طی ۳۰ سال گذشته

شریک راهبردی

عماد هاللات

بین ایران و روسیه تاریخ پرفراز و نشیبی وجود دارد که تاریخ ۲۵۰ ساله معاصر ایران گواه آن است. پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی روابط ایران و روسیه را وارد مرحله‌ای جدیدی کرد. اشتراک منافع در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی باعث شده است که ایران و روسیه در بسیاری از چالش‌ها با هم در یک طرف باشند و هم‌زمن طلبی غرب به رهبری آمریکا را به چالش بکشانند. امری که باعث شده در طی سال‌های گذشته آمریکا همواره ایران را در کنار چین و روسیه به عنوان بزرگ‌ترین تهدیدهای خود معرفی کند. در این تحقیق ضمن تبیین سیاست خارجی روسیه، روابط راهبردی ایران و روسیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بررسی روابط ایران با روسیه با توجه به بحران هسته‌ای ایران و برخی موضوعات دیگر، سبب گردید، این روزها در محافل مختلف بحث‌هایی را برانگیخته و افکار متفاوتی را در ذهن‌ها متبادر نماید. روسیه جدید به مرزهای قرن هفدهم بازگشته و هویت نوینی را تجربه می‌کند و در سال‌های گذشته، روابط با روسیه باعث شد تا بازار جهانی نفت قوام بیشتری یابد و البته در کنار آن با همراهی برخی کشورهای دیگر سازمانی که به اوپک گازی مشهور شده است، تأسیس گردد. ایران و روسیه، بر روی هم تقریباً ۵۰ درصد ذخایر گاز ثابت شده در جهان را کنترل می‌کنند و این ظرفیت را دارند که درصد مزبور را به میزان قابل توجهی افزایش دهند. آمریکا و اروپا به دلایل اهمیت دادن به زیست بوم و امنیت انرژی، بیش از پیش به واردات گاز طبیعی وابسته می‌گردند. در حوزه نفتی هم ایران و روسیه دارای منابع و ذخایر بزرگ انرژی هستند، هرچند که روسیه عضو سازمان اوپک نیست و در قالب سازوکار اوپک پلاس در عرصه انرژی جهانی فعالیت می‌کند.

از سوی دیگر حمله ایالات متحده به افغانستان در اوایل هزاره

دوم میلادی و سپس حمله به عراق و اتخاذ رویکرد تهاجمی، ایران و روسیه را بیش از گذشته به هم نزدیک کرد. در سوی دیگر تحولات سال ۲۰۱۱ در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا و پدیده تروریسم، ایران و روسیه را در یک گروه در مقابل تروریسم بین‌الملل و توطئه‌های ایالات متحده قرار داد، تا جایی که ایران برای تقویت نقش خود در منطقه زمینه لازم را برای ورود روسیه به منطقه غرب آسیا و شامات فراهم کرده است. امری که می‌تواند توازن قوا را در این منطقه را به نفع ایران حفظ کند. تحولات جدید بین‌الملل در مناطق پیرامونی ایران و روسیه بخصوص در منطقه قفقاز و شرق ایران و جنوب آسیای مرکزی، همکاری راهبردی دو کشور را بیش از گذشته عمیق کرده است.

پراگماتیسم روسی

این اصطلاح از واژه یونانی پراگما به معنی عمل مشتق شده است. این اصطلاح را نخستین بار چارلز پیرس در ۱۸۷۸ وارد فلسفه کرد. (جیمز، ۱۳۷۰: ۴۱) مقصود او از به کار بردن این واژه روشی برای حل کردن ارزشیابی مسائل عقلی بود اما بتدریج معنای پراگماتیسم تغییر کرد، در روش پراگماتیکی مطلقاً هیچ چیز تازه‌ای وجود ندارد. پراگماتیسم بیانگر رویکردی کاملاً آشنا در فلسفه یعنی همان رویکرد تجربه‌گرایانه است. (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵) پیرس در ژانویه همان سال در مقاله‌ای با عنوان «چگونه افکارمان را روشن کنیم» پس از خاطرنشان کردن این نکته که عقاید ما واقعاً قواعدی برای عمل هستند، اظهار داشت که برای بسط دادن مفهوم ذهنی فقط لازم است معین کنیم این مفهوم برای ایجاد چگونه رفتاری به کار می‌آید و آن رفتار برای ما یگانه معنای آن است و واقعیت ملموسی که در ریشه همه تمایزات ذهنی ما، هر قدر هم ظریف باشد، وجود دارد. این است که این تمایزات کوچک نیستند که به تفاوت عملی ممکن منجر نشوند. پس برای کسب وضوح کامل در افکارمان

درباره یک موضوع، لازم است توجه کنیم (جیمز، ۱۳۷۰: ۴۱). پراگماتیسم دیدگاه، روش فلسفی است که نتایج و روش عملی ایده‌ها و عقاید را به عنوان معیار تعیین ارزش و صدق آنها به کار می‌برد. دیدگاهی که از آغاز اشیا، اصول و مقولات را کنار می‌گذارد و به‌غایت اشیا، دستاوردها و نتایج واقعیات عملی توجه می‌کند و تفکر و ایده‌ها و نظریه‌ها را با عنوان وسایلی برای توافق و تطابق یک ارگانیسم با محیط تفسیر می‌کند؛ بنابراین از نظر دیویی، پراگماتیسم یک روش تحقیق تجربی است که به همه حوزه‌های تجربی انسانی گسترده شده است. (حاتمی، ۱۳۸۱: ۹۸-۹۹) در واقع باید گفت: در اواخر قرن ۱۹ این روش فلسفی در آمریکا توسط بعضی از متفکران ویلیام جیمز، چارلز سندرز پیرس و جان دیویی، جان دیویی به ظهور رسید. به نظر این متفکران، پراگماتیسم انقلابی است علیه ایده آلیسم و کاوش‌های عقلی محض که هیچ فایده‌ای برای انسان ندارد در حالی که این فلسفه روشی است در حل مسائل عقلی که می‌تواند در سیر ترقی انسان بسیار سودمند باشد. این روش فلسفی همچون انقلابی بود علیه سیرت و سنت بی حاصل در مدارس آمریکایی و سیرت و سنت بیهوده مابعدالطبیعی که در اروپای آن موقع در حال جلوه‌گری بود. اصحاب مصلحت عملی دریافتند که روش و نظریه‌شان در حل مسائل عقلی و در پیش بردن سیر ترقی انسان سودمند، تواند بود. (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵)

نگرش محوری در پراگماتیسم این است که ما باید از جایی آغاز کنیم که خود را چنان انسان‌هایی بیابیم مملو از باورها و اعمال و بکشیم به خودمان و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، معنا ببخشیم و به تعبیر پیرس، ما نباید نظریات مابعدالطبیعی بی محتوا را بپذیریم و نیز باید از اندیشه‌های پریشانی که گویی چون انسان‌هایی در جاده‌های عمومی خالی از سکنه قدم می‌زنند دوری گزینیم، ما باید از انسان‌ها و مکالمات آنها آغاز کنیم. این نگرش که همه بنیانگذاران عملگرایی و پیروان ایشان بدان قائل



ویژه‌نامه سفر رئیس‌جمهور به روسیه □ دی‌ماه ۱۴۰۰